

« برنامه جامع سالانه گره‌گشاست



زیر این سقف بلند، مربیانی توانمند و باتجربه کنار هم نشستند که همچنان دلشان برای دانایی و توانایی بیشتر می‌تپد. آنان در دل مدرسه‌ای گرد هم آمده‌اند که مهری رنجبر، مدیر دلسوز، با تدبیر و خوش ذوق آن، درست تا سال قبل، یک پیش‌دبستان را درون فضای دبستان اداره می‌کرد. اما امروز به دلیل افزایش تعداد جمعیت دبستان و دونوبته‌بودن مدرسه، دیگر امکان پذیرش پیش‌دبستانی‌ها را ندارد. با وجود این، میزبانی را بر عهده می‌گیرد تا همکاری‌اش در سطح منطقه اسلامشهر، از طریق یک جلسه تخصصی، با تازه‌ترین نکته‌ها در حوزه فعالیتشان بیشتر آشنا شوند.

نکته جالب ماجرا اینجاست که ما در میان این جمع غریبه نیستیم. شاید ما را به چهره نشناسند، اما هر چه جلوتر می‌رویم، کلام سخنران جلسه برایشان ملموس و آشنا تر می‌شود. در دبستان محمدحسین کیهانی در منطقه اسلامشهر با ما همراه باشید تا از دلیل این آشنایی بیشتر بدانید.

بسته مطلوب و موفق پشتیبان دارد

میزبان که مدیری کاربلد و خوش فکر است، فضای برپایی جلسه را به خوبی آماده کرده است. بسیاری از مربیان پیش از ورود ما در سالن اجتماعات حضور پیدا کرده و سرگرم گفت‌وگو و تبادل تجربه هستند. آنان خود را آماده شنیدن صحبت‌هایی کرده‌اند که می‌دانند از زبان یک شخص اهل علم و تجربه بیان می‌شود. این مربیان اگر عاشق کار خویش نبودند، در گرمای طاقت‌فرسای تابستان، خود را به اینجا نمی‌رساندند تا نسبت به دیروزشان بیشتر بدانند، بدان امید که فردا، کودکان بی‌شماری، از جهان تربیت و یادگیری بیشتر درک کنند و لذت ببرند.

سخن اول را سید کمال شهابلو با آنان در میان می‌گذارد. او با قدردانی از حضور مدعوین، درباره شیوه معرفی بسته تربیت و یادگیری گفت: «در برخی جلسات که مربیان

محترم تا حدودی با این بسته کار کرده و آشنایی اولیه دارند، مهمان و سخنران برنامه به ابهامات، مشکلات و راه‌حل‌ها می‌پردازد و می‌کوشد دغدغه‌های مربیان را برطرف کند. اما در برخی برنامه‌ها، مربیان حتی آشنایی اولیه هم با بسته ندارند. در چنین شرایطی ما ابتدا باید ویژگی‌های بسته مطلوب و اهمیت استفاده از آن را برای دوستان تشریح و سپس در صورت نیاز و تقاضا، بسته موردنظر را از زاویه‌های گوناگون برای استفاده بهینه معرفی کنیم.»

مدیر تولید انتشارات قصه و داستان سپس درباره مجوزهای موردنیاز هر بسته تربیت و یادگیری برای ورود به مراکز پیش‌دبستان یادآوری کرد: «بسته‌ها و کتاب‌هایی که بخواهند وارد مدرسه شوند، باید از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مجوز دریافت کنند و اگر به دوره پیش‌دبستانی مربوط باشند، باید از سازمان تعلیم و تربیت

کودک مجوز بگیرند تا شما بتوانید در پیش‌دبستان از این منابع برای کار خودتان بهره ببرید. سازمان تعلیم و تربیت کودک در طی سال بسته‌های متعددی را بررسی و از بین آن‌ها تعداد محدود و معدودی را انتخاب، تأیید و معرفی می‌کند. سپس در بخشنامه‌ای، این بسته‌ها و کتاب‌های تأییدشده را به ادارات آموزش و پرورش معرفی می‌کند. بعد از این است که مدیران و مربیان پیش‌دبستان می‌توانند از این بین، به سلیقه خود بسته‌ای را انتخاب کنند. هیچ الزامی نیست که بسته‌های پیش‌دبستان از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مجوز داشته باشند. البته بسته‌ای که ما امروز در این جلسه به شما معرفی می‌کنیم، هم از سازمان تعلیم و تربیت کودک و هم از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش تأییدیه دارد.»

شهابلو سپس به نکته حائز اهمیت پشتیبانی از مربیان، نوآموزان و خانواده‌ها در این بسته‌های تربیت و یادگیری پرداخت و گفت: «نکته بسیار مهم در مورد بسته‌های تربیت و یادگیری پیش‌دبستان، بحث پشتیبانی است که شاید برخی از تولیدکنندگان چندان به آن دقت نمی‌کنند. کسی که این بسته را برای استفاده تهیه می‌کند، ممکن است در طول کار با پرسش‌هایی روبه‌رو شود که باید برای آن‌ها پاسخ بگیرد. بسته موردنظر ما از این قابلیت و ویژگی برخوردار است و ما از طریق وبگاه، شبکه‌های اجتماعی و نظایر آن، همواره آماده پاسخ‌گویی هستیم. چه‌بسا در طی این مدت، برخی تغییراتی که اعمال کرده‌ایم، به‌واسطه همین بازخوردها بوده است.»

حتی از شب قبل گریه و زاری می‌کنند. ناصری در این باره گفت: «آنچه برای این کودکان جذاب است، روبه‌رو شدن با چهل پنجاه بچه هم سن و سال خودشان است. شاید جذاب‌ترین موضوع برای او قرار گرفتن در فضایی باشد که تعداد زیادی از بچه‌های هم سن و سال خود را می‌بیند. بهترین پدر و مادر، گاهی بدترین دوست بچه‌اند. یعنی اگر پدر و مادر خیلی خیلی هم خوب باشند، همبازی خوب بچه نمی‌توانند باشند. پس طبیعی است محیط پیش‌دبستان می‌تواند برای بچه‌ها محیطی جذاب باشد. کودک پنج‌ساله در پیش‌دبستان یک چشم‌انداز پیدا می‌کند. او توجه می‌کند که چه کسی او را تحویل می‌گیرد و تازه اینجاست که متوجه می‌شود شما مربیان او را تحویل می‌گیرید. اگر شما مربیان عزیز با رفتار و برخورد خود، با تحویل گرفتن و لبخند خودتان بتوانید بچه را تحویل بگیرید، او را جذب می‌کنید. و هنگامی که این کودک به خانه و نزد مادر خود برمی‌گردد، در پاسخ سؤال مادر که پیش‌دبستان چگونه بود، می‌گوید خیلی خوب بود. بازی کردیم.

مربی خیلی مهربانی داریم. این اتفاق مدام ادامه پیدا می‌کند و روزهای اول دوم و سوم سپری می‌شوند. اگر مربی برنامه نداشته باشد، ممکن است تا یک هفته به بچه خوش بگذرد، ولی آیا می‌تواند یک سال بچه را مدیریت کند و برای او جذابیت ایجاد کند؟ طبیعی است این کار سخت و حتی انجام‌نشدنی است. اما سؤال اساسی این است که پیش‌دبستان چیست و چرا باید بچه به پیش‌دبستان بیاید؟ اگر نیاید چه اتفاقی می‌افتد و اگر بیاید چه می‌شود؟»

ناصری سپس به یک اشتباه که در ذهن والدین ایجاد می‌شود اشاره کرد و یادآور شد: «اشتباهی در ذهن پدر و مادر در مورد پیش‌دبستان وجود دارد، این است که گاهی والدین به دلیل نداشتن شناخت کافی، از شما مربی پیش‌دبستان یک انتظار اشتباه دارند و نمی‌دانند بین ابتدایی و پیش‌دبستان تفاوت‌های عمده وجود دارند. اولین تفاوت این است که دوره ابتدایی دوره رسمی آموزش است. در صورتی که دوره پیش‌دبستان دوره آمادگی و غیررسمی است. اگر کودکی در دوره اول ابتدایی ثبت‌نام نشود، حقوق آن کودک از دست رفته است. مراجع قانونی، پدر، مادر و دولت همگی می‌دانند که بچه باید برای تعلیم و تربیت و آموزش به مدرسه برود.

در صورتی که پیش‌دبستانی این‌گونه نیست. بچه می‌تواند به پیش‌دبستان برود یا نرود. اما چرا بچه به پیش‌دبستان می‌رود؟ می‌رود تا با بچه‌های هم‌سن‌وسال خودش آشنا شود و مهارت‌های اجتماعی را یاد بگیرد. می‌تواند بازی‌های زیادی انجام دهد و خود را برای فضای جدید آماده کند.

نکته بسیار مهم در مورد بسته‌های تربیت و یادگیری پیش‌دبستانی، بحث پشتیبانی است که شاید برخی از تولیدکنندگان چندان به آن دقت نمی‌کنند

این مدیر فرهنگی در پایان صحبت‌های خود به معرفی محمد ناصری، سخنران جلسه، پرداخت و از او به‌عنوان یک چهره فرهنگی آشنا با حوزه آموزش و پرورش و به‌ویژه کارشناس و نویسنده امور تربیت و یادگیری حوزه پیش‌دبستان نام برد. در پایان نیز وبگاه مرتبط با این بسته را به حضار معرفی کرد. همچنین، از آنان خواست در صورت تمایل، در کانال ایتا عضو شوند تا بتوانند در طول سال به‌صورت مستمر از اطلاعات مربوط به بسته تربیت و یادگیری «من می‌دانم، من می‌توانم» استفاده کنند.

مهربانی ویژگی اول مربی است

محمد ناصری، سخنران برنامه و مجری کارگاه، کلام خود را با تشریح نگاه کودک در آستانه ورود به پیش‌دبستان آغاز کرد. او از دو گروه کودک در این موقعیت نام برد. یک گروه بچه‌هایی که با شوق و ذوق آماده ورود به محیط جدید هستند و گروه دیگر آن‌هایی که به دلیل شناخت‌نداشتن، جداسدن از جمع خانواده خود را به‌راحتی پذیرا نیستند و



کند، اما مربی پیش دبستان این طور نیست. البته مادر بزرگ‌ها هم این کار را نمی‌کنند، چون آن‌ها فرزندان خود را بزرگ کرده و این تجربه را کسب کرده‌اند. نوه پیش مادر بزرگ راحت است. در آنجا امر و نهی کمتر است و قربان صدقه بیشتر. اگر بچه زمین بخورد، مادر اول می‌گوید آخ، چطور شد و بعد ناراحت و عصبانی می‌شود. ولی مادر بزرگ اخم نمی‌کند. او سعی می‌کند بچه را جذب کند و پیش خود نگه دارد. به همین علت، بعضی از بچه‌های زیر پنج سال، وقتی پیش پدر بزرگ و مادر بزرگ خود هستند، به آن‌ها خیلی خوش می‌گذرد. به دلیل آنکه در آنجا امر و نهی نیست. بعضی مادرها فرزند خود را به پیش دبستان می‌فرستند تا برای ابتدایی آماده شوند و یک سر و گردن مثلاً از دختر خاله خود بالاتر باشند. در صورتی که این درست نیست. باید والدین را آگاه کرد که این کار درست نیست.

من برخی از نکات کلی را در مورد پیش دبستان خدمت شما عرض کردم. خلاصه صحبت‌های بنده این است که پیش دبستان غیر رسمی و غیر اجباری است. پیش دبستان تکلیف ندارد. پیش دبستان دوره احساس و عاطفه است. پیش دبستان دوره دانش نیست و نباید فکر کنید حتماً باید چیزی به کودکان بیاموزید. پیش دبستان برای بچه‌ها وقتی جذابیت دارد که مربی و پیش دبستان چیزهای جدیدی برای بچه در چنته داشته باشد. در مورد این چیزهای جدید خدمت شما عرض خواهیم کرد.»

مثلث کودک، مربی و والدین

دبیر بسته تربیت و یادگیری «من می‌دانم، من می‌توانم» در ادامه به اهمیت برنامه داشتن مربیان برای اجرا در محیط پیش دبستان اشاره کرد و از آنان خواست اگر قصه‌گویی بلدند، شعرخوانی ریتمیک می‌دانند یا مربی فعالیت‌های ورزشی هستند، قبل از هر چیز یک برنامه سالانه برای فعالیت‌های خودشان داشته باشند تا بتوانند کارشان را با موفقیت به سرانجام برسانند. او در همین باره تأکید کرد: «اگر شما صاحب قابلیت‌های بالایی باشید، تمام این موارد خوب و لازم هستند، اما کافی نیستند. شما باید برنامه یک‌ساله داشته باشید. به همین سبب، سازمان تعلیم و

پس مربی پیش دبستان وظیفه آموزشی ندارد. مربی پیش دبستان موظف به آموزش دادن نیست. صحبت‌هایی که خدمت شما عرض می‌کنم، همگی بر اساس اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش هستند. تأکید می‌کنم که دوره پیش دبستان دوره آموزش نیست و در آن یادگیری خودبه‌خود اتفاق خواهد افتاد. در فرایند بازی‌ها و فعالیت‌ها یادگیری اتفاق خواهد افتاد. همچنین، مهارت‌های اولیه اجتماعی و آموزش زبان فارسی که زبان مادری و اصلی ماست، کسب خواهد شد. فعالیت‌های پیش دبستان همه غیر تکلیفی و غیر اجباری هستند. اقتضای پیش دبستان همین است. هر قدر احساسات بچه تحت تأثیر قرار بگیرد، او موفق‌تر خواهد بود. این دوره، دوره احساس و عاطفه است و هر کس بتواند روی عاطفه بچه تأثیر بگذارد، نقش مربیگری خود را ایفا کرده است، نه نقش معلمی خود را.»

ناصری در خصوص ویژگی‌های مربیان این دوره از زندگی کودکان، به اهمیت دوست داشتن و عشق ورزیدن به کودکان پیش دبستان اشاره کرد و این مهم را لازمه کار آنان دانست و افزود: «توجه کنید که دوره دانش دوره بعد از پیش دبستان است. اگر شما به‌عنوان مربی بچه‌ها را دوست داشته باشید و حوصله سر و کله‌زدن با آن‌ها را داشته باشید و چنته‌تان پر از توانایی‌های متعددی باشد که بچه را جذب کند و بتوانید با تک‌تک آن‌ها ارتباط برقرار کنید، حتی اگر رشته دانشگاهی تان فیزیک، ریاضی یا شیمی باشد، موفق‌تر از کسی هستید که رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی خوانده است، ولی این ویژگی‌ها را ندارد. مربی عبوس و سختگیر به درد دوره پیش دبستان نمی‌خورد. مربی‌ای که مدام در حال تذکر دادن به بچه است، به درد پیش دبستان نمی‌خورد. مربی‌ای موفق‌تر است که به‌عنوان بزرگ‌تر با بچه‌ها قاتی می‌شود و با آن‌ها بازی می‌کند. البته اگر یک مربی تحصیل کرده رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی باشد و این ویژگی‌ها را هم داشته باشد که عالی است، ولی لزوماً این طور نیست که رشته دانشگاهی در دوره پیش دبستان بتواند مهارت‌های ارتباط با بچه‌ها را به شما یاد بدهد. این موضوع کاملاً تجربی و عملی است.»

جوانی که با سن ۲۲ سالگی مربی پیش دبستان می‌شود، در وهله اول باید مهربان باشد تا به‌طور طبیعی بچه‌ها دور او جمع شوند. این مربی هم می‌تواند خانم و هم می‌تواند آقا باشد؛ گرچه آقایان زیاد در محیط پیش دبستانی فعالیت ندارند، چون آن‌ها چندان حوصله سروکله‌زدن با بچه‌ها را ندارند. به‌طور مثال، معلم پایه اول من آقا بود و در پایه‌های دوم، سوم و چهارم که معلم من خانم بود، تفاوت را کاملاً احساس می‌کردم. البته من قصد ندارم وارد این بحث شوم. بعضی می‌گویند پسر بچه باید معلم آقا داشته باشد. به نظر من این صحبت چندان منطقی و متین نیست.»

این مدیر فرهنگی سپس به موضوع تفاوت بین مادر و مربی پیش دبستان پرداخت و یادآور شد: «تفاوت مربی پیش دبستان و مادر در این است که مادر بسیار سختگیر است و مدام می‌خواهد به بچه چیزی یاد دهد و او را کنترل



چه کارهایی انجام دهید. پشت آن تعداد زیادی رمزینۀ پاسخ سریع هست که در آن تعداد زیادی فیلم، کارتون، شعر، قصه و آیات قرآنی و کلی فعالیت وجود دارد که در مورد آن صحبت خواهیم کرد. به طور مثال، کسی که در دانشگاه رشته ریاضی خوانده است و می خواهد در پیش دبستان فعالیت کند، به مفاهیم تعلیم و تربیت تسلط ندارد. او فقط با عدد و فرمول کار کرده است. بنابراین، ادبیات محتوای این کتاب باید بسیار ساده و روان و قابل فهم باشد. طوری که وقتی کتاب را باز کند، مثلاً وقتی از نواآموزان می خواهد صفحه ۱۳ کتاب خود را باز کنند و فعالیت مربوط به آن را انجام دهند، انجام چنین کاری و فهم آن مشکل نباشد. بداند یک جلسه قبل باید از نواآموزان بخواند و وسایل مورد نیاز این جلسه را که شامل فلان موارد است، بیاورند. یا از نواآموز بخواند صفحه ۱۵ کتاب را باز کند و مسیر کلماتی را که با هجای «آ» آغاز می شوند پیدا کند. بعد هم جواب و مسیر و روش انجام آن و توضیحات مربوط به آن را در پایین صفحه بخواند. مربی باید آگاه باشد. شما باید این کتاب را خیلی خوب بخوانید و چقدر خوب است که این کارگاه در تابستان برگزار می شود و فرصت برای مطالعه کتاب مربی وجود دارد. بچه باید چیزی داشته باشد که بتواند با آن دست ورزی انجام دهد. یعنی وقتی شما این کتاب باز می کنید و هر صفحه آن را نگاه می کنید، متوجه می شوید هر صفحه حداکثر یک تیتیر دارد. بچه فقط تصویر را می فهمد و کلمه را متوجه نمی شود. بعضی از کتابها پر از کلمه اند و بچه از آنها چیزی متوجه نمی شود. این نوع کتابها به درد بچه های پیش دبستان نمی خورند. ولی این کتاب که خدمت شما عرض کردم، پر از تصویر است و بچه می تواند به خوبی با آن ارتباط برقرار کند.»

ناصری قابلیت های دیگر کتاب موفق در این حوزه را نیز برشمرد و از کاربرد به عنوان ابزاری مهم در کار یادگیری و تربیتی نام برد و گفت: «هر بسته موفق، به غیر از کتاب و تصویر، بهتر است کاربردهایی داشته باشد که بتوان آنها را جدا و به صورت هفتگی ارائه کرد. همچنین، لوحه هایی نیز باید برای این کار داشته باشد. مهم ترین نقطه قوت کار لوحه ها، تقویت مشاهده گری است. ما برای این کار لوحه هایی را طراحی کرده ایم که هر کدام برای مدت دو ماه در کلاس قابلیت کار دارد. خودمان آنها را تهیه کرده ایم که حتماً به دست مربی برسند. هر کلاس باید چهار لوحه داشته باشد. هر مربی حتماً باید این کتاب را داشته باشد. هر پدر و مادر خوب است یک راهنمای والدین داشته باشد که ۳۲ صفحه است و امسال به بسته اضافه شده است. وقتی بچه به کلاس می آید، پدر و مادر باید بدانند چه اتفاقی می افتد و در واقع فعالیت دیگری به بچه تحمیل نکنند. برای پدر و مادرها نیز ۱۶۰ فعالیت تعریف شده است. به طور مثال، وقتی بچه به خانه می آید، باید سبزی بیاورد و نام سبزی ها را یک به یک به بچه بگوید و از او برای پاک کردن سبزی کمک بگیرد. یا مثلاً اگر نخود لوبیایی تمیز هم دارید، نخود و لوبیا را با هم قاتی کنید و از کودک

تربیت کودک می گوید ما یک مجموعه برنامه جامع داریم. یک مجموعه برنامه تربیت جامع و یک مجموعه هم مکمل. مکملها شامل داستان، کتاب، شعر، اسباب بازی و هزار فعالیت دیگر می شوند. ولی برای یک سال نیست و نمی توان در طول یک سال، هر وقت بچه به پیش دبستان آمد، بگوییم به حیاط برویم! درست است که بچه لذت می برد، اما اگر این کار را چند روز تکرار کنید، بچه بالاخره خسته می شود. اگر بچه مقداری بازی کند، مقداری تحرک کند، مقداری با دیگری چیزی بخورد، مقداری شوخی کند و مهارت دست ورزی انجام دهد، باز هم به تنوع نیاز دارد. او قرار است مقداری مهارت زبانی هم یاد بگیرد. بنابراین، بچه باید مقداری حرف بزند و حرف بشنود. همه اینها باید در برنامه جامع وجود داشته باشند. پس برنامه جامع برنامه کاملی است که یک سال را پوشش دهد. این اولین نکته است.

دومین نکته این است که اگر ما یک مثلث فرض کنیم که یک ضلع آن بچه ها باشند، ضلع دوم پدرها و مادرها و ضلع سوم هم مربی، باید تعریف کاری که برای بچه می شود، تعریف کاری که برای پدر و مادر می شود و آنچه کار مربی محسوب می شود، روشن باشد. هر یک باید تکلیف خود را بدانند که باید چه کار کنند. یعنی وضعیت هر کس در این سه ضلع مثلث باید مشخص و واضح باشد. بچه باید بداند چه کار باید بکند. پدر و مادر باید بدانند در قبال بچه باید چه کارهایی انجام دهند و چه وظایفی دارند. از طرف دیگر، اولیای پیش دبستان و مدرسه و مربیان باید بدانند چه وظایفی دارند و وظایف آنها به صورت روزانه، هفتگی و ماهانه و سالانه به چه صورت است. بنابراین، با اوصافی که خدمت شما عرض کردم، وارد چگونگی بسته های می شویم که این جزئیات را داراست.»

مدیر بسته تربیت و یادگیری «من می دانم، من می توانم» در ادامه به ویژگی های بسته آموزشی مطلوب اشاره کرد و گفت: «عمود خیمه این بسته تربیت و یادگیری همانا کتاب راهنمای مربی است. کتاب راهنمای مربی ۳۶۰ صفحه است. به ازای هر روز دو صفحه و به ازای هر هفته ۱۰ صفحه در نظر گرفته شده است. یعنی اگر شما به این دو صفحه نگاه کنید، متوجه می شوید در مورد چه چیزی است و باید

بخواهید در جدا کردن آن به شما کمک کند. یا شب‌هنگام بچه را بالای پشت‌بام یا پارک ببرید و به او بگویید ستاره‌ها را تماشا کنند. وقتی پدر و مادر در جریان تربیت بچه‌های خود قرار می‌گیرند، با این جریان همراهی می‌کنند. اما وقتی در جریان قرار نمی‌گیرند، مدام به شما می‌گویند فلان چیز را یاد گرفته و این را یاد نگرفته است. در کتاب راهنمای والدین، خود پدر و مادر نیز در جریان قرار می‌گیرند و متوجه می‌شوند داستان از چه قرار است. بنابراین، اجزای این بسته تشکیل شده است از چهار کتاب نوآموز و یک مجموعه کاربرگ برای بچه‌ها. یک کتاب راهنمای مربی با کلی فیلم و تعداد زیادی قصه و شعر و هزار فعالیت همراه آن.

بسته خوب اجبار ندارد!

محمد ناصری که ایده‌پرداز جریان قصه در مدرسه است، در ادامه این جلسه از اجباری نبودن انجام تمام فعالیت‌های پیشنهادی بسته تربیت و یادگیری توسط مربیان در کلاس به‌عنوان نقطه قوت کار نام برد و اضافه کرد: «بسته خوب آن است که به شما اجبار نکند حتماً باید این هزار فعالیت را انجام دهید. شما نمی‌توانید این هزار فعالیت را انجام دهید. ولی فکر می‌کنم در نهایت بتوانید حدوداً ۵۰۰ فعالیت آن را انجام دهید. ۵۰۰ فعالیت آن در این کتاب آمده و ۵۰۰ فعالیت دیگر را اگر علاقه داشتید، می‌توانید ببینید. این کتاب منوی باز دارد. منوی باز به چه معنا؟ شما وقتی به رستوران می‌روید، مطابق میل خود غذای دلخواه را انتخاب می‌کنید. یکی ممکن است ماهی دوست نداشته باشد، یک

نفر گوشت دوست نداشته باشد یا یک نفر برنج نخواهد. منوی باز یعنی راهنمای مربی دست مربی را باز بگذارد تا او با توجه به اینکه بچه‌ها در چه فضایی هستند، فعالیت مناسب را انتخاب کند. همچنین، به این معناست که شما تشخیص می‌دهید از چه فعالیتی استفاده کنید و چه کاری انجام دهید. سرآشپزهای این مجموعه، برای شما منویی آماده کرده‌اند که به شما می‌گویند شبیه این فعالیت را انجام می‌دهید، یکشنبه این مسیر را می‌روید، دوشنبه این کار را انجام می‌دهید، سه‌شنبه این فیلم را نمایش می‌دهید و آن کار را انجام می‌دهید، چهارشنبه گردش علمی می‌روید و پنجشنبه هم که تعطیل است. انعطاف‌پذیری در بسته بسیار مهم است.

به‌طور خلاصه به شما عرض می‌کنم، اول و آخر این داستان که بچه‌ها به‌طور خودبه‌خود چیزی یاد بگیرند، دست شماست. شما نباید برای یاد دادن به بچه‌ها دغدغه و نگرانی داشته باشید. شما باید با آن‌ها لذت ببرید، زندگی

کنید و اجازه دهید بچه‌ها لذت ببرند. باید تک‌تک بچه‌ها را ببینید. بچه‌ها عاشق دیده‌شدن هستند. آن‌ها خیلی باحال و مهربان هستند. کافی است سر یکی از آن‌ها دست بکشید، یا به دیگری لبخند بزنید یا به یکی از آن‌ها بگویید کارت چقدر خوب بود! کل زمانی که شما با تک‌تک آن‌ها چشم در چشم احوال‌پرسی کنید و حالشان را بپرسید، پنج دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد. به همین سادگی! آن‌ها را نگاه کنید و کاری کنید بدانند شما آن‌ها را دیده‌اید.

اگر شما به بچه‌ها بگویید بیا بیاید می‌خواهم چیزی به شما یاد بدهم، بچه‌ها دوست ندارند چیزی یاد بگیرند. اما آن‌ها خودبه‌خود یاد می‌گیرند. بچه‌ها در محیط پیش‌دبستان وقتی با تعداد ۲۰ یا ۳۰ نفر هم سن و سال خود روبه‌رو می‌شوند، خیلی چیزها را یاد می‌گیرند.

در بازی متوجه می‌شود دیگران هم حق دارند. یا وقتی مربی به آن‌ها می‌گوید صف بایستید، بچه متوجه می‌شود نباید در منزل همیشه بگوید اول برای من غذا بریزید و در همه کار اول او باشد. باید یاد بگیرد صف

بایستد. روز اول ممکن است متوجه

نشود، روزهای دوم و سوم ممکن

است انجام ندهد، ولی بالاخره روز

دهم آن را یاد می‌گیرد و انجام

می‌دهد. به این شیوه است که بچه‌ها

یاد می‌گیرند. مانند سیستم ژاپن.

من در ژاپن دیدم که حتی بچه‌های

کوچک‌تر از پنج‌سال، صبح‌ها با

یکدیگر راه می‌افتند و به سمت

مدرسه می‌آیند و دوستان یکدیگر

را می‌شناسند. در دبستان‌های آنجا

مدرسه غیردولتی وجود ندارد. در

زمان ناهار می‌بینید چهل پنجاه

بچه در صف غذا ایستاده‌اند و شاید

شما باور نکنید بچه‌هایی با این سن، به این

اندازه مرتب در صف‌ها ایستاده‌اند. در آنجا همه چیز دست

بچه‌هاست؛ به‌غیر از قابلمه‌های بزرگی که غذاهای کل

بچه‌ها در آن‌ها هستند. بچه‌ها غذاهای خود را می‌گیرند

و می‌روند می‌نشینند و شروع به خوردن می‌کنند. بعد میز

خود را تمیز می‌کنند. متأسفانه فرهنگ ما اجازه این کارها را

نمی‌دهد. بچه‌ها در دوره پیش‌دبستان خودبه‌خود یاد گیرند

نه با تحمیل مربی.»

ناصری که داور جشنواره کتاب‌های کودک و نوجوان نیز

بوده و از این تجربه هم برخوردار است، در ادامه جلسه از

مربی پیش‌دبستان به‌عنوان یاددهنده‌ای نامرئی یاد می‌کند

و ادامه می‌دهد: «مربی پیش‌دبستان یاد می‌دهد، ولی

خودش دیده نمی‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در پیش‌دبستان، تفاوت‌های

فردی بچه‌هاست. این ویژگی بسیار مهم است.

البته متأسفانه در آموزش رسمی این نکته دیده نمی‌شود.

چون در آموزش رسمی می‌خواهند بچه‌ها از نقطه آ به نقطه

**اگر پدر و مادر خیلی خیلی
هم خوب باشند، شاید
نتوانند هم بازی خوب
بچه باشند. پس طبیعی
است محیط پیش‌دبستان
می‌تواند برای بچه‌ها
محیطی جذاب باشد**

دست‌ورزی را یاد می‌گیرد.

پاپالو یک شخصیت، بامزه و جالب است و بچه‌ها معمولاً با آن ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. در کتاب راهنمای مربی، در همان صفحه اول، دو رمزینه وجود دارد که یکی از آن‌ها دو دقیقه و چند ثانیه است و کتاب را معرفی می‌کند و دیگری حدود ۱۸ دقیقه است. پاپالو می‌آید و خود را به همه و به پدر و مادرها معرفی می‌کند.

ما در سال‌های قبل کتاب راهنمای والدین را نداشتیم. وقتی به کارگاه‌ها می‌رفتیم و از آن‌ها بازخورد می‌گرفتیم، می‌گفتند پدر و مادرها ما را در برخی زمینه‌ها تحت سوال قرار می‌دهند. متوجه شدیم والدین به کتاب راهنما نیاز دارند. این کاربرگ‌ها و لوحه‌ها را هم سال گذشته نداشتیم. امسال این دو گزینه نیز به بسته اضافه شده‌اند. در این سه سال، این بسته تغییراتی یافته تا به یک بسته کامل تبدیل شده است.»

طراحی این بسته پیمانهای است

در ادامه جلسه، برای ایجاد تنوع در برنامه، چند کلیپ و موشن گرافی از بسته تربیت و یادگیری برای حضاران پخش می‌شود. سپس سخنران به حضاران پیشنهاد می‌کند والدین و به‌ویژه مادران را در قالب برپایی یک جلسه، وارد برنامه کاری خود کنند و نکاتی را با آنان در میان بگذارند. وی در همین باره می‌افزاید: «پیشنهاد من این است که شما روز قبل از اینکه کلاس‌ها شروع شوند و بچه‌ها وارد کلاس شوند، با مادران جلسه داشته باشید و این راهنما را به آن‌ها بدهید. فیلم روایت بسته را برای والدین هم بگذارید. در آن راهنما همه فعالیت‌های مربوط به پدر و مادرها آمده‌اند. پس یادمان باشد، پاپالو یک عامل آموزشی در خدمت شما و دستیار اجرایی شماست. به محض اینکه دیدید بچه‌ها خسته شدند یا خمیازه می‌کشند، می‌توانید به سراغ پاپالو بروید و بگویید بچه‌ها دوست دارید کارتون پاپالو را

ب برسند. مثلاً حتماً باید الفبا را یاد بگیرند و اعداد را تا یک عددی آموزش ببینند. شکل‌های هندسی را باید یاد بگیرند. علوم تجربی را باید یاد بگیرند. از کلام‌الله باید یاد بگیرند. بچه را باید ارزیابی کنند و والدین او را بخواهند و در مورد وضعیت بچه با او صحبت کنند و گزارش دهند. اما آیا در پیش‌دبستان امتحان وجود دارد؟ هرگز. آیا حدی از یادگیری وجود دارد که آن را برای خود تعیین کنید و بچه‌ها را به آن برسانید؟ هرگز. حد یادگیری هر بچه خودش است. ریتم رشد هر کودک پنج‌ساله با دیگری بسیار متفاوت است. یک بچه ممکن است از نظر هوش هیجانی بسیار دیرتر از هم‌سالان خود رشد کند یا بچه‌ها از نظر ارتباطی با هم فرق دارند. بعضی از آن‌ها برون‌گرا هستند و بعضی به‌شدت درون‌گرا. مربی جوان و با نشاط و مهربان مانند شما، کاری می‌کند وقتی بچه‌ها پیش‌دبستان می‌آیند لذت ببرند و وقتی هم به خانه می‌روند، به مادر خود بگویند مربی ما این‌طور گفت. مربی ما این کار را انجام داد. مربی ما به ما گفته است این کار را بکنیم. مربی ما خیلی با ما بازی می‌کند. خیلی قشنگ شعر می‌خواند. وقتی شعر می‌خواند صدای او خیلی زیباست. او برای ما کارتون نمایش می‌دهد. همه چنین مواردی در این بسته وجود دارند، به شرطی که شما برنامه‌ریزی زمانی داشته باشید. بسته پیش‌دبستان باید بر اسناد بالادستی مبتنی باشد.»

ناصری سپس از عنصر جذاب‌ترکننده بسته تربیت و یادگیری صحبت کرد؛ عنصری که بچه‌ها نسبت به آن علاقه بیشتری نشان می‌دهند؛ یک شخصیت به نام «پاپالو». او گفت: «برای اینکه این بسته جذاب شود، ما یک شخصیت تولید کرده‌ایم. پروانه‌ای را در بازی بچه‌ها وارد کرده‌ایم که نام آن «پاپالو» است. پاپالو در زبان سمنانی به معنای پروانه است. گیلانی‌ها به پروانه پاپالی می‌گویند. سال گذشته که برخی از مربیان از این بسته استفاده کرده بودند، هر کسی با شوق و ذوق و سلیقه خود یک پاپالو برای بچه‌ها درست کرده بود. پاپالو

عامل آموزشی شماست و در تمامی فیلم‌ها هم حضور دارد. مثلاً در کارتون‌ها پاپالو می‌آید و می‌گوید، سلام من پاپالو هستم. در تمام کتاب‌های نوآموز، برای اینکه بچه‌ها خط را یاد بگیرند، در همه حالت‌ها باید پاپالو را به یک گل برسانند. مثلاً در ابتدا یک خط راست است و با خط راست به گل می‌رسد. بعد این خط کمی طولانی‌تر یا کمی مورب می‌شود. از این طریق بچه





بینید؟ موشن گرافی‌های پاپالو بالغ بر ۲۵۰ قطعه است و تمام کاربرگ‌ها و فعالیت‌های داخل کتاب نوآموز را انجام داده است. یعنی بعد از اینکه بچه‌ها فعالیت‌ها را انجام دادند، می‌توانند ببینند پاپالو چطور آن را انجام داده است و اگر خودشان فعالیت را اشتباه انجام داده باشند، متوجه می‌شوند. از طرف دیگر جنبه تفریحی و جالب هم برای آن‌ها خواهد داشت.

همان‌طور که گفتیم، لوحه‌ها را هم ما تهیه و برای کلاس‌ها با هر تعداد نوآموز، به مربیان و مؤسسان تقدیم می‌کنیم. کتاب‌های نوآموزان چهار جلد هستند و اولین کتاب آن بدن من است. در صفحه‌های ۴ و ۵ اول همه کتاب‌های نوآموز، در یک نگاه کلی، اطلاع‌نگاشت داریم که در زبان انگلیسی به آن اینفوگرافی گفته می‌شود. اینفوگراف در نگاه کلی می‌گوید در روز اول چه چیزی باید تدریس و به کدام صفحه باید مراجعه کنید و در مورد چه چیزی. همین اطلاعات در مورد روزهای دوم و سوم و چهارم و پنجم نیز وجود دارد. حال ممکن است کلاس‌ها در ماه اول تشکیل نشوند یا بعضی از آن‌ها زودتر شروع شوند و بعضی دیرتر. شما از ماه دوم می‌توانید شروع کنید.

اصلاً نگران مطالب قبلی نباشید. شیوه طراحی این بسته پیمانه‌ای است. مثلاً در کتاب بدن من هشت محور اصلی و واحد کار وجود دارد؛ آشنایی با اعضای بدن، ظاهر و پوشش، حواس پنجگانه، احساس من، رفتارهای اجتماعی، سلامت جسمانی، غذاهای مناسب، بهداشت فردی، مراقبت از خود و مشاغل مرتبط با سلامت. تمام فیلم‌ها، فعالیت‌ها، شعرها و قصه‌ها با این واحد کار مرتبط هستند. مثلاً ممکن است زمانی که در مورد ظاهر و پوشش کلاس داشتید، یک کودک به هر

گاهی والدین به دلیل شناخت ناکافی، از مربی پیش دبستان انتظار اشتباه دارند و نمی‌دانند بین دبستان و پیش دبستان تفاوت‌های عمده وجود دارد

و جدی و پیگیر هستند، اما اگر با آن‌ها به خوبی صحبت شود و توجیه شوند و کتاب راهنمای والدین را نیز داشته باشند، می‌پذیرند. همچنین، وقتی چنته مربی قوی است و در مورد فعالیت‌ها و اهداف آگاهی کافی دارد، می‌تواند همه این موارد را به مادر یا پدر منتقل کند و بگوید قرار نیست ما در پیش دبستان الفبا یا اعداد

را آموزش دهیم یا آموزش مستقیم داشته باشیم. چون مطابق قانون این موارد در پیش دبستان ممنوع است. بعد به ایشان می‌گویید، می‌توانید در گوگل جست‌وجو کنید و ببینید که آموزش الفبا و اعداد در پیش دبستان چه پیامدهای بدی دارد. می‌توان این کار را در همان لحظه در حضور مادر انجام داد که او شاهد آن باشد. مربی پیش دبستان یک طرفدار پروپاقرص به نام کودک دارد. یعنی وقتی شما از طریق احساسات و عاطفه و با توانایی خود در بچه نفوذ می‌کنید، کار به جایی می‌رسد که وقتی مادر با بچه مشکل پیدا می‌کند، دست به دامن شما می‌شود که فلان کار را نکنید که بچه ما مثلاً قانع شود. نکته دوم این است که مادر هر چقدر هم کار کرده باشد، به اندازه شما بر این کتاب مربی اشراف ندارد و کار نکرده است. باید اشراف خود را واقعاً نمایش دهید.»

کودک پیش دبستانی جزئی نگر است

در این فاصله از برنامه تعدادی از حاضران به طرح پرسش‌های خود پرداختند و از سخنران جلسه خواستند ابهامات آنان را برطرف کند. محمد ناصری نیز در این فرصت به یکایک سؤالات جواب داد و در ادامه به حاضران گفت: «من در صحبت‌های خود اصلاً نگفتم پیش دبستانی مهم نیست. اگر چنین چیزی برداشت کرده‌اید، به صورت سهوی بوده. پیش دبستان بسیار بسیار مهم است و اتفاقاً خیلی خیلی مهم‌تر از دوره ابتدایی است.

دلیلی حضور نداشته نباشد و هفته بعد در قسمت احساسات من حضور داشته باشد. هیچ اشکالی ندارد. آیا چیزی را از دست داده است؟ خیر. اصلاً چیز مهمی نیست. ممکن است بچه به مسافرت برود یا دیر ثبت‌نام کند یا شهرستان محل سکونتش تغییر کند و اصلاً موقع تدریس کتاب خانه من حضور نداشته باشد و از کتاب احساسات من شروع می‌کند. هیچ اشکالی ندارد. بعضی‌ها می‌گویند بچه عقب ماند! مگر قرار است درسی بدهیم که او عقب بماند؟ شما اصلاً نباید مانند معلم‌های ابتدایی در مورد آلودگی هوا و تعطیلی مدرسه و غیبت نوآموزان نگران باشید! اولیا این مسئله را نمی‌پذیرند، ولی وقتی ما بر اساس تجربه اولیا را توجیه می‌کنیم، می‌بینیم وقتی کتاب راهنما را دارند و شما نیز با آن‌ها حرف می‌زنید، توجیه می‌شوند. خوشبختانه مادران امروز نسبت به مادران نسل گذشته جوان‌تر و تحصیل کرده و آگاه‌تر هستند. درست است که این مادران چانه می‌زنند

باید بدانید که همهٔ پیش‌دبستانی‌ها یکدست نمی‌شوند و این‌طور نیست که همهٔ آن‌ها عملکرد مورد انتظار شما را داشته باشند. وقتی والدین به شما می‌گویند که چرا کار حروف آموزش حروف الفبا را انجام نمی‌دهید و چرا فلان پیش‌دبستان یا فلان کودک فامیل ما این توانایی را دارد؟ باید آن‌ها را به آرامش دعوت کنید، بنشینید و به‌خوبی صحبت کنید. همیشه یک کتاب اول دبستان را با خود داشته باشید تا بتوانید با والدینی که چنین درخواستی دارند، بهتر صحبت کنید. کتاب را به او نشان دهید و بگویید معلم اول ابتدایی قرار است این کتاب آموزش حروف الفبا را در یک سال به کودک آموزش دهد. اگر ما حروف الفبا را در پیش‌دبستان با بچه‌های شما کار کنیم، وقتی وارد پایهٔ اول ابتدایی می‌شود، ممکن است از یک کلاس ۲۰ نفره، فقط ۵ نفر حروف الفبا را آموزش دیده باشند و ۱۵ نفر دیگر آموزشی ندیده باشند. معلم اول ابتدایی موظف است حروف الفبا را آموزش دهد. این معلم وقتی با این پنج کودک مواجه می‌شود. این پنج کودک که قبلاً حروف الفبا را آموزش

دیده‌اند، چون مفاهیم و آموزش‌ها برای آن‌ها تکراری هستند، سر کلاس کلافه می‌شوند و شروع به کارهای متفرقه می‌کنند. معلم قطعاً با این چند کودک برخورد ناخوشایندی خواهد داشت و کودک بیش‌فعال به نظر خواهد رسید. وقتی مادر بدانند عواقب آموزش حروف الفبا و اعداد در پیش‌دبستان چه چیزهایی می‌تواند باشد، قطعاً با شما همراهی خواهد کرد. خیلی خوب است که همهٔ پیش‌دبستان‌ها با هم هماهنگ باشند. البته پیش‌دبستان‌هایی می‌توانند از بسته‌های متنوع استفاده کنند، ولی اگر ممنوعه‌ها را رعایت کنند، ما در ارتباط

با بچه‌ها به مشکلی برخورد نخواهیم کرد. ولی متأسفانه این‌گونه نیست. البته در متوسطه نیز این‌گونه است. آموزش و پرورش اعلام می‌کند بعضی کارها را در متوسطه انجام ندهید. ولی رعایت نمی‌کنند و برای امتحان کنکور فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که آموزش و پرورش آن‌ها را قبول ندارد. نکتهٔ مهم این است که شما سعی کنید با این نقشه‌ها دوست و رفیق شوید. این نقشه‌ها یک هفتهٔ شما را به‌طور کامل پر می‌کنند و می‌گویند چه کارهایی انجام دهید. هم اهدافی را که در سند موجود است می‌گویند و هم کارهایی را که باید انجام دهید، به‌طور واضح روزانه به شما می‌گویند.»

ناصری در ادامه دربارهٔ کتاب‌های مربوط به کودک در این بسته توضیح داد و گفت: «هر کتاب ۴۰ صفحه دارد. می‌خواهم منطبق این ۴۰ صفحه را به شما بگویم. یعنی اگر بتوان با فکر پشت تألیف آشنا شد، می‌توان با کتاب به‌خوبی ارتباط برقرار کرد. کتاب نوآموز به‌صورت چهار صفحه چهار صفحه بسته شده است. یعنی کتاب بدن من با اولین چهار

صفحه شروع می‌شود و بعد چهار صفحهٔ بعد و تا آخر. این چهار صفحه شامل چیست؟ صفحه‌های ۱ و ۲ از این چهار صفحه مفاهیم کلی هستند که در کتاب آمده‌اند. مثلاً در صفحه‌های ۱ و ۲ کتاب بدن من بچه باید با چشم و گوش و دست و پا و سر خود آشنا شود و اسم آن‌ها را بداند. یعنی توضیح مفاهیم در آن‌ها آمده است. صفحهٔ بعد در مورد این است که مسئله‌ای را به بچه‌ها بگویید که بتوانند در مورد آن فکر کنند. یعنی مهارت تفکر و حل مسئله است. مثلاً کودک تصویر کودکی را می‌بیند که خود را در آینه نگاه می‌کند. بچه باید توجه کند و ببیند چه چیزهایی در خود بچه وجود دارند که در آینه به اشتباه نمایش داده می‌شوند. او باید به جزئیات توجه کند. جالب است بدانید، بچه‌های پیش‌دبستان به‌شدت جزئی‌نگر هستند. اگر یک سوزن در اینجا گم شود، اگر همهٔ ما جمع شویم نمی‌توانیم آن را پیدا کنیم، اما کودک پیش‌دبستان می‌تواند. چون هم نگاه تیزبینانه و هم قدرت جزئی‌نگری بالایی دارد. ما به‌عنوان مربی باید این ویژگی را در کودک تقویت کنیم. سعی کنید وقتی کودک تصویری را نگاه می‌کند

و سؤال می‌کند چه چیزی هست، شما بخواهید صبر کنید. بگویید بیشتر دقت کند تا بتواند جزئیات را پیدا کند. در کارتون‌ها و فیلم‌ها هم همین کار را انجام دهید.

صفحهٔ بعدی نیز به زبان‌آموزی مربوط است. زبان‌آموزی یعنی صداآموزی. مهارت‌های زبانی چهار مورد هستند. اولین مهارت شنیدن است، دومی خواندن، سومی حرف‌زدن و چهارمین مهارت نوشتن. هر چهار مورد در اینجا برای پیش‌دبستان آمده‌اند. بنابراین، اولین مهارت شنیدن است که شما همهٔ

بچه‌ها را تشویق می‌کنید سعی کنند خوب بشنوند و گوش دهند. خواندن به معنای تصویرخوانی است. مثلاً شما این لوحه را می‌آورید و از بچه‌ها می‌خواهید در مورد آن صحبت کنند و بگویند چه می‌بینند. مربی خوب وقتی می‌بیند قدرت تخیل بچه در حین تصویرخوانی او نیز کار می‌کند، باید به آن توجه نشان دهد. چون بچه‌ها قدرت تخیل بالایی دارند. بچه کم‌کم تخیل و در مورد آن صحبت می‌کند و داستان می‌سازد. باید اجازه دهید کودک در مورد تخیل و داستان خود بیشتر صحبت کند و پیش برود. بنابراین، تصویر را به داستان تبدیل می‌کند، چون کودک دارد صحبت می‌کند.

مهارت نوشتن به این معناست که بچه بتواند مداد را به دست بگیرد و خط‌های مورب و راست بکشد. در واقع این کارها مهارت‌هایی هستند که بچه باید یاد بگیرد. به مادر بگویید کودک در پیش‌دبستان باید این مهارت‌ها را یاد بگیرد. کودک از مداد نترسد و بتواند آن را به‌خوبی دست

تفاوت پیش‌دبستان و دبستان این است که هر قدر احساسات بچه تحت تأثیر قرار بگیرد، موفق‌تر خواهد بود



فعالیت‌های آن را ساده‌تر کردیم. مثلاً فعالیت‌ها را که در آن باید اختلاف بین دو تصویر را پیدا می‌کرد، از پنج اختلاف به سه اختلاف کاهش دادیم تا کودک آن را زودتر پیدا کند و زودتر به نتیجه برسد.

هر هفته فعال پنج روز است. به ازای هر روز مناسب است یک فعالیت کاربرگ بدهیم. البته شاید در تجدیدنظری که در بسته داشتیم، آن را به یک فعالیت تبدیل کرده باشیم. مثلاً مربیان به ما گفته بودند تصویرها کوچک هستند. این نکته از تجربه‌های شما حاصل می‌شود. مربیان می‌گفتند بچه پنج‌ساله فضای بیشتری می‌خواهد و ما این را از شما قبول کردیم. چون بچه باید در این فعالیت‌ها راحت شرکت کند. پس رنگ‌ها را پایین آوردیم، چون رنگ‌های زیادی در آن به کار رفته بود. البته بچه رنگ را دوست دارد، ولی ما سعی کردیم به دلیل باز خورد دریافتی، آن را کمتر کنیم. این رنگ و وارنگ بودن را کمتر کردیم. البته این جزئیات باید در لوحه باشند و بچه آن‌ها را ببیند، اما در تصویرهای مربوط به کتاب نوآموز آن را کمتر کردیم. این صفحه را ما برای اولیا آوردیم. فکر می‌کنم در صفحه‌های ۳ یا ۴ کتاب مربوط به راهنمای اولیا آمده است که کارهای ممنوع در پیش‌دبستان را گفته‌ایم.»

وی بر بحث کارهای ممنوع در فعالیت‌های پیش‌دبستان تاکید کرد. این نویسنده مطرح کشور در همین باره گفت: «کارهای ممنوع در پیش‌دبستان عبارت‌اند از: مقایسه عملکرد نوآموز با عملکرد سایر نوآموزان، اجبار به یادگیری حد معینی از یادگیری و آموزش الفبای فارسی، دادن هرگونه تکلیف به نوآموز در خانه، ارزشیابی مستقیم، اجبار به انجام تکلیف در پیش‌دبستان، آموزش انتزاعی و حافظه‌مدار.»

مربیان و دوستان عزیز، یک مجموعه مفاهیم از قبیل مفاهیم انتزاعی را کودک بعد از ۱۲ سالگی متوجه می‌شود و می‌فهمد. بعضی مفاهیم انتزاعی را که بچه متوجه نمی‌شود، دلیل ندارد به کودک پنج‌ساله آموزش

بگیرد و خط بکشد و رنگ کند.

وقتی بچه این مهارت‌ها را کسب می‌کند، معلم اول ابتدایی می‌تواند به راحتی حروف الفبا را به او آموزش بدهد. البته ممکن است کودک در خانواده خود پدر و مادری داشته باشد که اهل مطالعه باشند و به راحتی بتواند حتی بخواند. چه بهتر که او خودبه‌خود این مهارت را کسب کرده باشد. بچه‌ها متفاوت هستند. هر کدام قدرت و توانایی خاص خود را دارند.

ریتم منطقی کار از اول کتاب بدن من تا آخر کتاب دنیای من، همین است که خدمت شما عرض کردم. یعنی دو صفحه آموزش مفاهیم که خدمت شما عرض می‌کنم؛ یعنی آموزش مفاهیمی که خودشان باید یاد بگیرند. یک صفحه تفکر و حل مسئله و یک صفحه هم زبان‌آموزی. در صفحه مربوط به تفکر و یادگیری، در روز شنبه یک چیز را نگاه می‌کند، یکشنبه چیزی دیگر را و دوشنبه چیز دیگری را. آیا نمی‌شود همه این‌ها را یکجا گفت؟ خیر. این موارد باید در چند روز گفته شوند. این تصویر را یک روز یک‌طور نگاه می‌کنیم و در روز دیگر جای دیگر آن را نگاه می‌کنید. این صفحه در راهنمای مربی رفت و برگشت زیادی دارد.»

اجبار به یادگیری ممنوع است

محمد ناصری به امکانات و قابلیت‌های دیگری از این بسته اشاره کرد که از آن جمله می‌توان از موشن گرافی‌های پشت جلد کتاب‌ها نام برد. همچنین، پاسخ‌نمای کاربرگ و پاسخ‌نمای نوآموز. وی در همین زمینه اطلاعات بیشتری در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داد و گفت: «بعضی از مربیان که قبلاً این کاربرگ را داشتند، می‌گفتند برخی از فعالیت‌های این کاربرگ سخت است و بچه‌های پیش‌دبستان نمی‌توانند آن را انجام دهند. ما باید کاری کنیم که فعالیت‌هایی را که بچه‌ها می‌توانند انجام دهند به آنان ارائه کنیم. ما در همین ارتباط یک تجدیدنظر اساسی روی کاربرگ‌ها انجام دادیم و به صورت کلی سطح



نکته بعدی در مورد لوحه است. شما باید سعی کنید شروع درس خود را با لوحه آغاز کنید. ما یک مجموعه سؤال پیشنهادی در اینجا آورده‌ایم. این‌ها فقط سؤالاتی هستند که به مربی پیشنهاد داده می‌شوند تا ذهن مربی را حساس کنیم. مثلاً ما در مورد این لوحه پیشنهادهایی دادیم. شما می‌توانید از این لوح ۱۰۰ نوع استفاده و بهره ببرید. می‌توانید مشاهده‌گری بچه‌ها را تقویت کنید. چون یکی از عوامل مهم یادگیری در بچه‌ها مشاهده‌گری است. در ادامه لوحه‌ها فیلم هم داریم. ما در اینجا ۳۰ قطعه فیلم داریم. ما آن‌ها را انتخاب و بازسازی کرده‌ایم، چون می‌دانید بیشتر کارت‌های خارجی با فرهنگ و چارچوب ما هماهنگی ندارند. در کشور ما هر کارتونی را نمی‌توان با هر مضمون و پوششی برای بچه‌ها نمایش داد. این موارد کار را سخت می‌کنند. ممکن است شما کارت‌های خوبی داشته باشید که با فرهنگ و چارچوب‌های ما هماهنگ نباشند. مدت‌زمان آن بین سه دقیقه تا در نهایت هفت دقیقه است. حتماً این کارت‌ها را برای بچه‌ها نمایش دهید. چون بچه‌ها کارت‌ها را دوست دارند و ممکن است از شما بخواهند بارها آن را تکرار کنید. هیچ اشکالی ندارد آن را بارها برای بچه‌ها تکرار کنید.

قالب بعدی نقاشی است. نقاشی مزیت‌های متعددی دارد؛ تخیل‌ورزی، تمرکز، هماهنگی دست و ذهن و چشم. از نقاشی می‌توانید خیلی استفاده کنید؛ با موضوعات آزاد و موضوعاتی که به بچه انگیزه می‌دهند. وقتی بچه‌ها نشست‌اند، می‌توانید بگویید هر چه دوست دارید بکشید. ممکن است بپرسند چه بکشیم. می‌توانید موضوعات متعددی را به آن‌ها پیشنهاد کنید تا مورد پذیرش و انتخاب آن‌ها قرار گیرد.

قالب بعدی شعر است. ما برای شعر از بهترین شعرهای کودکان و از بهترین شاعران کشورمان در این زمینه استفاده کردیم. خواهش می‌کنم از شعرهایی که بچه‌ها مضمون آن را نمی‌فهمند، استفاده نکنید. بعضی از مربیان می‌گویند، بچه‌ها می‌خواهم شعری را به شما یاد بدهم که کمی طولانی است و آدم خیلی بزرگ و مهمی آن را گفته است که نام او فردوسی است و بعد یکی از شعرهای شاهنامه را برای بچه‌ها بخواند. این کار واقعا غلط است. یا خواندن غزلی از حافظ برای شب یلدا که بچه از آن چیزی متوجه نمی‌شود. چرا باید چنین شعری را برای بچه بخوانیم؟

سخنرانان قصه‌گو موفق‌ترند

در این قسمت از جلسه چند نمونه از این شعرها برای آشنایی بیشتر مربیان پخش شد تا آنان با شناخت بیشتری بتوانند از این آثار برای کودکان کلاس خود استفاده کنند. بعد از پایان نمایش این آثار، ناصری ادامه داد و افزود «ما همه شعرها را توسط بچه‌های رادیو نمایش اجرا کرده‌ایم. ممکن است شما شعرهای ساده دیگری داشته باشید و بچه‌ها بخواهند شما آن‌ها را با صدای خود بخوانید. شما

دهید. مثلاً اینکه بچه را به حفظ کردن مجبور کنیم. ولی اگر بچه علاقه‌مند باشد، می‌تواند شعر، قصه یا قرآن را یاد بگیرد. وقتی مربی آن را خوب می‌خواند، بچه خودبه‌خود یاد می‌گیرد. اما اگر مربی مثلاً به کودک بگوید فاطمه تو این یک خط را یاد نگرفتی و او را مجبور کند، کودک زده می‌شود. ما در این بسته ۱۵ عبارت قرآنی را آورده‌ایم که دو تا سه مورد آن را بچه‌ها اصولاً بلدند. اولین عبارت سلام‌علیکم است. طولانی‌ترین عبارت قرآنی در این بسته چهار تا پنج کلمه دارد. این‌ها مواردی هستند که اگر با علاقه و تکرار آموزش داده شوند، بچه خودبه‌خود یاد می‌گیرد.

هر مربی توانایی‌های شخصی‌ای دارد که باید آن‌ها را وارد کار کند. یک مربی نقاش خوبی است و مربی دیگر خوش‌بیان است. مربی دیگر در دوران بچگی خود پرتحرک و فعال و دائماً در حال ورزش بوده است. بنابراین، هر مربی در کار خود ویژگی خاص خود را بیشتر استفاده کند. چون هم خود شما از کار خود لذت می‌برید و هم بچه‌هایی را که مانند شما هستند درک می‌کنید. سایر بچه‌ها هم از این خصلت ذاتی شما یاد می‌گیرند. همان‌طور که بچه‌ها تفاوت‌های فردی دارند، مربیان هم تفاوت‌های فردی دارند. درست است که بچه‌ها باید نکته‌هایی عمومی را یاد بگیرند، ولی شما توانایی‌های فردی خود را نیز وارد کار کنید. توانایی‌های ارتباطی، کلامی و بازی کردن را می‌توانید وارد کار خود کنید.»

بخش بعدی صحبت‌های سخنران جلسه به سرگرم کردن کودکان در پیش‌دبستان اختصاص داشت. او این نکته را یک اصل مهم در این فعالیت برشمرد و یادآور شد: «ما می‌رسیم به اصل ماجرا و اینکه چگونه باید بچه‌ها را سرگرم کنیم؟ آیا باید آن‌ها را در حیاط رها کنیم؟ خیر، این بخشی از کار است. آیا باید همیشه برای آن‌ها قصه بخوانیم؟ خیر، این هم بخشی از کار است. شعر، نمایش، بحث و گفت‌وگو و نقاشی هم بخش‌هایی از کار هستند. همه قالب‌ها در اینجا توضیح داده شدند و هزار فعالیتی که خدمت شما عرض کردم، تک‌تک آن‌ها در کتاب راهنمای مربی توضیح داده شده است.

می‌توانید تمام این کارها را نیز انجام دهید. وقتی بچه شعر را می‌فهمد و شما نیز بارها آن را تکرار می‌کنید، بچه‌ها خودبه‌خود آن را یاد می‌گیرند. شعر از این باب مهم است که یکی از راه‌های فهم شیرینی فارسی، شنیدن و گوش کردن شعر است. اگر دیده باشید، بعضی از کلیپ‌ها شعرهای زبان‌های گوناگون را کنار هم قرار داده‌اند؛ مثلاً زبان‌های فارسی، انگلیسی، اسپانیایی، آلمانی و غیره. اگر این زبان‌ها را کنار یکدیگر گوش کنید، می‌بینید بعضی از آن‌ها مانند زبان آلمانی سخت هستند و برای گوش خوشایند نیستند. اما بعضی‌ها مانند زبان فارسی، حتی اگر بچه‌ها آن را متوجه نشوند، گوش‌نواز و دل‌نواز هستند. این هنر شعر فارسی نیز یکی از ویژگی‌های زبان ماست. زبان از طریق شعرهای ساده و قابل فهم می‌تواند به بچه منتقل شود. بنابراین، باید به بچه‌ها شعرهایی را آموزش دهیم که علاوه بر ریتم، قابل فهم نیز باشند تا بچه متوجه شود فقط شعر ریتم ندارد، بلکه مفهوم نیز دارد. شعری

که پخش شد (دو چشم دارم ...) هم شناخت اعضای بدن است، هم شکر خدا در آن هست و هم الله خالق کل شیء در آن وجود دارد. یک کار تلفیقی است. بنابراین شعر مهم است.

مورد بعدی قصه است. قصه چیزی است که هر کودک یک سال و نیمه تا شخص مسن ۹۰ ساله به‌صورت فطری آن را دوست دارد. اگر کسی بتواند با قصه بچه را سرگرم کند، مربی توانمندی است. اصلاً اگر مربی را کنار بگذاریم و به سخنرانان معروف که کل دنیا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

دقت کنیم، آن سخنرانانی که قصه‌گو هستند، موفق‌ترند. بین سخنرانانی‌های زیادی که از تلویزیون پخش می‌شوند، وقتی سخنرانی آقای الهی قمشه‌ای را می‌بینیم و می‌شنویم، ناگهان جذب آن می‌شویم. چون سخنرانی ایشان پر از شعر و قصه است. بین هر صحبت ایشان یک جمله عربی، جمله‌ای انگلیسی، یک روایت، یک شعر از نظامی و بعد یک قصه از مولوی می‌شنویم. یک ساعت از سخنرانی ایشان گذشته و ما اصلاً زمان را احساس نکرده‌ایم و لذت برده‌ایم. همه قصه‌های موجود در کتاب را نیز بچه‌های رادیو نمایش اجرا کرده‌اند. به نظر من قصه‌ها زیباتر از شعرها هستند. چون هم افکت دارند، هم موسیقی و هم صدای پیشگان قوی آن‌ها را اجرا کرده‌اند. البته شعرها را نیز بچه‌های رادیو نمایش اجرا کرده‌اند. ما در آنجا خواستیم به‌صورت صدای بچه‌گانه اجرا شود. اگر امکانات صوتی داشته باشید و قصه‌ها را پخش کنید، فکر می‌کنم بچه‌ها آن‌ها را دوست داشته باشند. اگر شما به‌عنوان مربی در هنگام پخش یک قصه در

بچه‌ها حس بدی مشاهده کردید، فوراً آن قصه را کنار بگذارید. بچه‌ها اصلاً تخیل‌ورزی زیادی دارند. اینشتین می‌گوید، یکی از ویژگی‌های بسیار مهم دانشمندان این است که تخیل‌ورز هستند. اگر یک شخص تخیل‌ورز نباشد، اصلاً دانشمند نمی‌شود. یک بخش از خلاقیت زاینده تخیل‌ورزی است. نویسندگان این قصه‌ها از نویسندگان مهم کشور هستند و فهرست اسامی نویسندگان موجود است. در مورد قصه‌ها نیز تفاوت‌های فردی بچه‌ها بسیار مهم است. بنابراین، ممکن است یک بچه از آن قصه خیلی خوشش بیاید و بچه دیگر از آن بترسد. این ترس هم می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. ما روان‌پزشک، روان‌کاو یا روان‌شناس نیستیم که بخواهیم وارد این حیطه شویم. ولی شما به‌عنوان مربی، به‌محض دیدن حس بد در بچه‌ها، می‌توانید آن قصه را فوراً کنار بگذارید. فکر می‌کنم قصه‌هایی که شخصیت‌های آن‌ها غول باشند، بیشتر از دو سه قصه نیستند! دنیای قصه می‌تواند محور بحث و گفت‌وگو باشد و کاری

است که خلاقیت‌های فردی شما می‌تواند آن را انجام دهد.

مورد بعدی آموزه‌های قرآنی است که در رمزینه‌ها تعبیه شده است. در آنجا به شما گفته شده است مثلاً آیه «الله خالق کل شیء» را چگونه تدریس کنید. شما حتماً باید از این امکان استفاده کنید. بعضی از عزیزان گفته‌اند شاید ما آیات را اشتباه بخوانیم؟ ما این آیات را به‌صورت جداگانه نیز ضبط کرده‌ایم. می‌توان هم متناسب با محتوا از این آیات استفاده کرد و هم به‌صورت تلفیقی.»

دبیر بسته تربیت و یادگیری همچنین از کاردستی به‌عنوان کاری سخت یاد کرد که بچه‌ها به آن علاقه‌مندند. از آنجا که کودکان به این فعالیت علاقه دارند، ما نباید این عشق را از آنان دریغ کنیم. او در همین باره تأکید کرد: «اینکه بچه‌ها بتوانند کاغذ را تا بزنند، یا قیچی دست بگیرند و کاغذی را قیچی کنند و شکل‌ها را روی هم قرار دهند و شکلی را درست کنند، و اینکه بتوانند چیزی را بچسبانند و چیزی را که رنگ کرده‌اند، به جایی بچسبانند، مهم است. با این کار تمرکز، خلاقیت و دست‌ورزی بچه تقویت می‌شود. مورد بعدی آزمایش است. زمانی که ما به مدرسه می‌رفتیم، با این حال که در مدرسه‌های خوبی درس می‌خواندیم، آزمایش زیاد رایج نبود. اما خوشبختانه الان شرایط بهتر شده است. مثلاً می‌توانید با یک لیوان آب و یک قرص جوشان ویتامین C بچه‌ها را به مشاهده‌گری و آزمایشی ساده دعوت کنید. بگویید بچه‌ها من گلویم درد می‌کند، می‌خواهم این قرص ویتامین C را در لیوان بیندازم. بچه‌ها را تشویق کنید آن

**مربی‌ای که به‌عنوان
بزرگ‌تر با بچه‌ها قاتی
می‌شود و با آن‌ها بازی
می‌کند، موفق‌تر است**

را مشاهده کنند. در اینجا آزمایش‌های متعددی آمده‌اند که در آن‌ها ترکیب رنگ‌ها و مواد شیمیایی متفاوت وجود دارد. مثلاً با یک کتری در حال جوش می‌توانید بارش باران را به بچه‌ها نشان دهید. با این کارها می‌توانید ذهن بچه‌ها را حساس کنید به پدیده‌های طبیعت حساس شوند و به آن دقت کنند. آزمایش و در کنار آن گردش علمی برای بچه بسیار مهم است. این‌گونه نیست که برای گردش علمی باید بچه‌ها را حتماً به موزه منابع طبیعی ببرید. البته اگر به موزه هم ببرید فکر خوبی است. ولی بردن بچه‌ها برای دیدن گنجشک‌ها، طبیعت و درخت می‌تواند گردش علمی باشد. این فعالیت‌ها ممکن است برای شما بسیار ساده باشد، اما برای بچه‌ها گردش علمی محسوب می‌شود.»

اگر بتوانیم خیلی از کارها را با زبان بچه‌ها بگوییم، می‌توانیم کار خود را پیش ببریم. منظور ما از گردش علمی، تعریف آن برای بزرگ‌ترها نیست، بلکه برای کودک به‌گونه‌ای دیگر است. مثلاً برای کودک رفتن به طبیعت یک نوع کشف است. نیما یوشیج در نامه‌ای به کودک خود می‌گوید: «تو الان سه سال داری. خوب به فصل‌های بهار و تابستان و پاییز و زمستان دقت کن. چون چیزهایی که می‌بینی، تا آخر عمر برای تو تکرار می‌شوند. اما فرد دیگری مانند علامه جعفری که فیلسوف است، می‌گوید وقتی من با کودک دو یا سه‌ساله قدم می‌زنم، خیلی چیزها از او یاد می‌گیرم. ایشان می‌گوید این شگفت‌زدگی کودک از دیدن مظاهر طبیعت برای من درس است. در صورتی که سن ایشان ۷۰ سال بود. ایشان در ۷۷ سالگی

نیز از دنیا رفتند. ایشان می‌گوید شگفت‌انگیز است که بچه دوساله چگونه به دنیا نگاه می‌کند و وقتی از او می‌پرسیم چه چیزی می‌بینی، او درخت را با یک نگاه می‌بیند و گل را طور دیگری و همه آن را توضیح می‌دهد. اگر به کودکان مجال صحبت بدهید، متوجه می‌شوید ما از صحبت‌های یک کودک پنج‌ساله می‌توانیم خیلی چیزها را یاد بگیریم. وقتی با بچه‌ها کارتونی را می‌بینید، آن‌ها را تشویق کنید در مورد آن کارتون گفت‌وگو کنند. البته نه اینکه شما از آن‌ها سؤال کنید و پاسخ بخواهید، بلکه در مورد آن فقط صحبت کنید. یا وقتی برای بچه‌ها قصه می‌خوانید، از آن‌ها بخواهید در مورد آن با هم صحبت کنند. آن وقت متوجه می‌شوید چه دنیای بزرگ و قشنگی دارند و از چه زاویه خوبی مسائل و شخصیت‌ها را می‌بینند. پس گردش علمی نیز یکی از قالب‌های مهم است.»

ناصری در ادامه معرفی این فعالیت‌ها، از نمایش خلاق

و پانتومیم به‌عنوان فعالیت‌های اثرگذار روی کودکان یاد کرد و افزود: «این مسئله برای بچه خجالتی بسیار مهم و مؤثر است. مثلاً وقتی به یک بچه خجالتی می‌گویید بیاید و چیزی اجرا کند که شما حدس بزنید، قطعاً بچه باید برای این اجرا سناریو داشته باشد و بتواند با حرکات دست و میمیک صورت و نوع نگاه خود به شما نشان دهد چه چیزی یا چه کسی است. این‌ها آموزش‌ها و مهارت‌هایی هستند که بچه می‌تواند از شما یاد بگیرد. پدر و مادر این موارد را نمی‌بینند و معمولاً موارد معمول را می‌بینند.»

مورد بعدی بحث و گفت‌وگوست. بچه‌های پنج‌ساله غالباً عاشق حرف‌زدن هستند. خوش به حال مربی‌های با حوصله که توان شنیدن حرف‌ها را دارند و خسته نمی‌شوند!

من داستانی را برای شما تعریف می‌کنم. حتماً بعداً این کتاب را بخوانید. کتاب ژاپنی توتوچان را می‌گوییم. توتوچان یک کودک بیش‌فعال است که وقتی وارد مدرسه می‌شود، معلم او را از مدرسه طرد می‌کند. چون بچه از لحظه‌ای که سر کلاس می‌نشیند، شروع به برهم‌زدن کلاس می‌کند. یعنی وقتی معلم می‌خواهد صحبت کند، کیف خود را باز می‌کند و مداد را نشان می‌دهد که من این مداد را تازه خریدم. بعد دوباره آن را داخل کیف خود می‌گذارد. وقتی مجدداً معلم می‌خواهد صحبت کند، می‌گوید چه کسی از این مداد دارد؟ معلم یک بار، دو بار، سه بار مدارا می‌کند. یک‌مرتبه صدای آکاردئون از خیابان می‌آید. این بچه با عجله سمت پنجره می‌دود و

به بیرون نگاه می‌کند و با هیجان بقیه بچه‌ها را دعوت می‌کند بیایید و ببینید چقدر قشنگ می‌نوازند! به این ترتیب کل کلاس را به هم می‌ریزد. مادر توتوچان را می‌خواهند و به او می‌گویند فرزند شما مدرسه را به هم می‌ریزد، غیرقابل کنترل است و شما باید بچه را از این مدرسه ببرید! مادر با ناراحتی بچه را از مدرسه می‌برد. او با فرزندش سوار قطار می‌شود تا به منزل خود برگردد. در ایستگاه قطار، متوجه یک قطار متروک می‌شود که از نقاشی‌های روی آن مشخص است محلی برای کودکان است. روی آن هم نوشته شده است؛ مدرسه غیررسمی تومونه. اسم مدرسه تومونه بود. مادر تصمیم می‌گیرد فرزند خود را به آنجا ببرد، شاید آنجا توتوچان را ببیند. مدیر مدرسه شخصی به نام آقای کوبایاشی بود. او از قیافه و رفتار بچه متوجه می‌شود از بچه‌های بیش‌فعال است. او را به دفتر خود می‌برد. به مادر می‌گوید شما بروید و ظهر بازگردید. از توتوچان سؤال می‌کند حالت خوب است؟

**پیش‌دبستان برای بچه‌ها
وقتی جذابیت دارد که
مربی و پیش‌دبستان
چیزهای جدیدی برای بچه
در چنته داشته باشند**

او می‌گوید بله. بعد از توتوچان سؤال می‌کند چه خبر؟ توتوچان شروع می‌کند و به مدت طولانی صحبت می‌کند. بعد آقای کوبایاشی از او سؤال می‌کند آیا صحبت‌هایت تمام شد؟ می‌گوید نه. در مورد چیز دیگری هم می‌خواهم صحبت کنم و باز هم صحبت می‌کند. و توتوچان چهار ساعت برای کوبایاشی صحبت می‌کند تا به‌طور کامل تخلیه می‌شود. وقتی دوباره از او سؤال می‌کند که دیگر حرفی نداری و آیا دیگر خبری نیست، توتوچان می‌گوید چیزهایی را که می‌خواستیم بگویم گفتم و دیگر حرفی ندارم. بعد کوبایاشی به او می‌گوید تو چقدر دختر خوبی هستی! آیا می‌خواهی برویم قسمت‌های مختلف مدرسه را ببینیم؟ فضای آنجا مانند فضای پیش دبستان بود و تفکر او هم شبیه مربی‌ای بسیار قوی. این بچه در آینده یکی از مهم‌ترین و بهترین برنامه‌ریزان، تولیدکنندگان و کارگردانان محتوای تلویزیونی می‌شود. این کتاب را که می‌نویسد، در چاپ اول فقط سه میلیون نسخه از آن در آمریکا ترجمه می‌شود و به فروش می‌رسد.»

ناصری در ادامه خطاب به مربیان حاضر در جلسه که به مطالعه این کتاب علاقه‌مندند توصیه کرد: حتماً این کتاب را بخوانید، چون به فضای کار ما خیلی مرتبط است.

اگر با فوتبال آشنا باشید، حتماً نام مارادونا را شنیده‌اید. مارادونا در محلی بسیار فقیرنشین زندگی می‌کرد؛ منطقه‌ای پر از خلاف و قتل و غارت و توزیع مواد مخدر. مارادونا چهارپنج خواهر داشت و خود دیوانه فوتبال بود. او یک توپ داشت و در پشت خانه آن‌ها یک دیوار وجود داشت. مارادونا بعدها تعریف می‌کند که من روزانه ۱۰ ساعت به‌طور مرتب با توپ به این دیوار ضربه می‌زدم. او می‌گوید، بعد از مدتی احساس کردم این توپ جزئی از بدن من شده است و با آن هر کاری می‌توانم انجام دهم. او می‌گوید من خودبه‌خود روی توپ تسلط کامل پیدا کردم. از طرف دیگر، چون مدام در حال دویدن و تحرک بود، همیشه زانوی شلوارش پاره می‌شد و چون خانواده از نظر مالی هم ضعیف بودند، کتک می‌خورد و بعد هم سعی می‌کرد از دست پدر خود فرار کند. وقتی پدر مارادونا را دنبال می‌کرد، مارادونا چون تیز و ریزنقش بود، با سرعت از دست پدر خود فرار می‌کرد.

او دو ویژگی مهم خود، یعنی تسلط بر توپ و فرار را از شرایط دوران کودکی‌اش کسب می‌کند. وقتی به هشت‌سالگی رسید، چهره او بزرگ‌تر از سن و سال او به نظر می‌رسید. البته قد کوتاهی داشت. وقتی یک مربی

بازی او را می‌بیند، سؤال می‌کند آن کودک کیست؟ می‌گویند مارادوناست و هشت سال دارد. مربی می‌گوید به این چهره نمی‌خورد هشت‌ساله باشد. بچه هشت‌ساله نمی‌تواند این کارها را با توپ انجام دهد. مربی می‌گوید اگر این کودک هشت‌ساله باشد، من او را به باشگاه می‌برم. مربی به همراه دوستان خود به منزل مارادونا می‌رود. از مادرش سؤال می‌کنند این کودک چند سال سن دارد؟ مادر می‌گوید هشت سال و شناسنامه را نشان می‌دهد. از آنجا مارادونا وارد دنیای فوتبال می‌شود. زمانی که مارادونا چهارده پانزده سال داشت، وقتی از باشگاه خارج می‌شود، یک پیرمرد که فقط یک دوچرخه داشت، به او دوچرخه می‌دهد و می‌گوید می‌خواهم این را به تو بدهم. مارادونا می‌گوید من دوچرخه را برای چه از شما بگیرم؟ می‌گوید وقتی بزرگ شدی، آن را سوار شو و به یاد من باش. مارادونا یک اعجوبه بود.»

او در بخش دیگری از صحبت‌های خود به نوع برخورد و رفتار مادر بزرگ‌ها با نوه‌ها پرداخت و گفت: «وقتی بچه‌ها خودبه‌خود بازی می‌کنند، مادر بزرگ‌ها می‌گویند اجازه دهید سیر بازی کنند. برای اینکه بتوانیم پا به دنیای بچه‌ها بگذاریم، باید این فضا را برای آن‌ها ایجاد کنیم. هر قدر شما به‌عنوان مربی قصه‌گوی خوبی باشید و ویژگی‌های موفق داشته باشید، حتماً سعی کنید بچه‌ها را زیاد به حیاط ببرید. جایی که بتوانند بدون بازی کنند؛ البته نه بازی‌های شناخته شده، بلکه بازی‌هایی که خودشان آن‌ها را اختراع می‌کنند. به همین جهت، هر قدر بچه بیشتر در طبیعت و بیرون از سقف بازی کند، خسته نخواهد شد و انرژی او تخلیه خواهد شد. او خیلی چیزها را از بازی‌های گروهی یاد خواهد گرفت.»

دبیر بسته «من می‌دانم، من می‌توانم» در این بخش از جلسه به موضوع ارزشیابی فعالیت کودکان اشاره کرد و افزود: «در مورد ارزشیابی، در پایان و در صفحه ۴۰ هر کتاب نوآموز و در پایان دو ماه، صفحه‌ای آمده است که سخن مربی با والدین است و دو قسمت دارد. در قسمت بالای آن، با مشاهداتی که دارید، سعی کنید نکات مثبت کودک را آنجا بنویسید. مثلاً می‌توانید بنویسید علی بچه بسیار مهربانی است و سعی می‌کند به دوستان خود کمک کند، در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کند و دوستان زیادی نیز دارد. اما می‌توان در مورد علی توصیه‌هایی به پدر مادر هم داشت. مثلاً اینکه علی در کارهای گروهی شرکت می‌کند، ولی در کارهای دست‌ورزی مشارکت نمی‌کند. نمی‌نویسید که در ضمن، با تمام حسن‌هایی که



علی دارد، این عیب‌ها را نیز دارد و آن‌ها را فهرست کنید. نباید این‌گونه بنویسید. بلکه باید در پایین برگه بنویسید پدر و مادر محترم، پیشنهاد می‌شود برای دست‌ورزی بهتر علی، بیشتر با او نقاشی کار کنید، یا سعی کنید از او بخواهید کارهای مدادکاغذی بیشتری انجام دهد. بنابراین، دربارهٔ بچه نقاط ضعف نمی‌نویسید، بلکه یک مجموعه نکات مثبت او را می‌نویسید و پیشنهادهایی نیز به آن اضافه می‌کنید و والدین بدون اینکه به آن‌ها بر بخورد، می‌توانند متوجه شوند فرزندشان در آنجا چه محاسنی دارد، چه کارهایی باید با او بیشتر کار شود. در مورد صفحهٔ ارزشیابی هم توضیح دادم.»

ناصری در انتهای جلسه پاپالو را معرفی کرد و نشانی دسترسی به وبگاه آن یعنی paapaaloo را در اختیار قرار داد. خاطراتان هست در ابتدای گزارش خدمت شما عرض کردم ما برای مربیان و شرکت‌کنندگان این کارگاه غریبه نبودیم؟ دلیلش آشنایی آنان با بستهٔ «من می‌دانم من می‌توانم» از سال گذشته بود. آنان در لابه‌لای بسته‌هایی که برای کار در پیش‌دبستانی خودشان بررسی کرده بودند، این بسته را نیز کندوکاو کرده و حالا در این جلسه با جزئیات آن بیشتر آشنا شده‌اند. گاهی بی‌آنکه بدانی، از محصول و عملکردی که ارائه کرده‌ای، شما را می‌شناسند، بی‌آنکه هنوز تبلیغاتی کرده باشید.

پس از پایان جلسه و اتمام سخنرانی محمد ناصری، فرصتی فراهم آمد تا بتوانیم با تنی چند از شرکت‌کنندگان گفت‌وگو کنیم، از نظرات آنان در ارتباط با اهمیت بسته‌های دورهٔ پیش‌دبستان بیشتر آگاه شویم و شما را نیز در جریان این نقطه‌نظرات قرار دهیم. در این گفت‌وگو و میزگرد خانم‌ها ... حضور پیدا کردند. ابتدا با آنان بیشتر آشنا می‌شویم و سپس به اتفاق صحبت‌هایشان را دنبال می‌کنیم.

آنان در بحث تربیت و یادگیری مؤثر واقع شود؟ هر چند وقت یک بار ارائهٔ چنین کارگاه‌هایی را ضروری و مناسب می‌دانید؟

رنجبر: از آنجا که مربیان پیش‌دبستانی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین افراد در محیط آموزشی هستند، پرواضح است حضور آنان در این کارگاه بسیار مفید خواهد بود، به طوری که در این جلسات، این عزیزان با شیوه‌های نوین آموزشی تحصیل‌نویزان آشنا خواهند شد، متدهای آموزشی آنان به روزرسانی خواهد شد و اطلاعات بسیار مفیدی در خصوص نحوهٔ برخورد با طیف‌های نوآموزان، انگیزه‌سازی و شاداب نگه‌داشتن محیط آموزشی و اینکه چه چیزی را و به چه کسی آموزش دهند، خواهند آموخت. آنان با استفاده از نشانه‌های رفتاری و تحصیلی نوآموزان، مشکلات یادگیری را از هم تشخیص می‌دهند و با اجرای مداخلات سطح اول، متناسب با نشانه‌های نوآموزان، تا حدی از ایجاد و تشدید مشکلات جدی تحصیلی و رفتاری در آینده پیشگیری می‌کنند.

به نظر بنده، این کارگاه‌ها هر سه ماه یک‌بار برای مربیان برگزار شوند، چون بی‌توجهی به به‌روزرسانی و توانمندسازی مربیان، در نهایت به حضور مربیانی در کلاس منجر می‌شود که نه اطلاعاتی به‌روز دارند و نه مهارت‌هایی قابل اعتنا، در حالی که مربی توانمند می‌تواند جریان آموزش را کیفی و در نهایت نسلی را تربیت کند که برای کشور منشأ اثر باشد. خرمی: برپایی کارگاه‌ها هم تجربه‌ها را زیاد می‌کند و هم نقاط ضعف و قدرت را نمایان می‌کند و می‌توانیم از نقاط مثبتش در کار استفاده کنیم و نقاط ضعف را کم کنیم. اینکه سالی حداقل دو بار کارگاه داشته باشیم، خیلی خوب است.

آقابابایی: به نظر بنده، برگزاری چنین کارگاه‌هایی، علاوه بر بالابردن دانش مربی و اطلاع او از نحوهٔ برخورد با نوآموز، می‌تواند باعث ایجاد انگیزه در مربی باشد. اینکه مربیان در این کارگاه‌های آموزشی تبادل دانش و تجربه هم خواهند داشت و در طول سال تحصیلی دوره‌هایی نیز ادامه داشته باشد،

● مهری رنجبر، مدیر دبستان دکتر محمدحسین کیهانی که میزبانی برنامه را نیز بر عهده داشت، مدرک کارشناسی معارف اسلامی دارد. وی مدت هشت سال در دورهٔ متوسطه اول و چندین سال هم به‌عنوان آموزگار و معاون آموزشی در دورهٔ ابتدایی خدمت کرده است. او در دوران کرونا با تدبیر کلاس‌ها را به‌صورت مجازی پیش برد تا دانش‌آموزان از درس و تحصیل عقب نمانند. خانم رنجبر در اسلامشهر بیش از دوهزار نوآموز پیش‌دبستان را تحت پوشش داشته است.

● محبوبه آقابابایی با مدرک کارشناسی علوم تربیتی، گرایش مدیریت دبستان و پیش‌دبستان، در حال حاضر هفت‌سال سابقهٔ کار در مراکز مشاورهٔ تحصیلی و خانواده و همچنین ۹ سال سابقهٔ مدیریت دارد و مؤسس پیش‌دبستان است. وی همچنین از سه سال تجربهٔ کار در مدرسه‌های غیردولتی به‌عنوان معاون پرورشی نیز برخوردار است که همچنان به‌عنوان مدیر و مؤسس در خدمت نوآموزان منطقهٔ اسلامشهر است.

● مهناز صادقی، کارشناس ارشد آموزش و روان‌شناسی کودکان استثنایی و بازنشستهٔ آموزش و پرورش است. او از سال‌ها تجربه در آموزگاری کودکان کم‌توان ذهنی، دبیری، معاونت و سرپرستی در مدرسهٔ استثنایی نیز برخوردار است. ۱۲ سال مدیریت مرکز دولتی اختلالات یادگیری آتیه و ۱۰ سال مشاوره و مدیریت مرکز غیردولتی اختلالات یادگیری فردای روشن هم در کارنامهٔ فعالیت‌هایش دیده می‌شود. در حال حاضر مدت سه سال است مدیر و مربی پیش‌دبستانی فردای روشن است.

● ملیحه خرمی مدرک کارشناسی دارد، از هفت سال تجربه و سابقه در حوزهٔ پیش‌دبستان برخوردار است و تا امروز به‌عنوان مؤسس و مدیر مشغول خدمت است.



● **برپایی کارگاه توانمندسازی مربیان پیش‌دبستانی تا چه اندازه می‌تواند مفید باشد و در ارتقای توانایی‌های**



نکات مربوط به نحوهٔ اخذ کمک از آنان را بدانند. خرمی: طی برگزاری جلسهٔ اولیا و مربیان آن‌ها را توجیه می‌کنیم.

● وجود کتابی ویژهٔ والدین که دربارهٔ فعالیت‌های مربیان در محل پیش‌دبستانی اطلاعات بیشتری به آنان ارائه دهد، چقدر می‌تواند در ارتباط بین خانه و پیش‌دبستان مفید و مؤثر واقع شود؟ لطفاً با ذکر دلایل به این سؤال پاسخ بفرمایید و مصداق بیاورید.

رنجبر: وجود کتابی مختص اولیای پیش‌دبستانی، روشنگر این موضوع خواهد بود که انتظارات والدین از کودک پیش‌دبستانی با واقعیت هماهنگ نیست. برای مثال، همهٔ والدین فرزندان خود را تیزهوش می‌دانند و انتظارات بیش از حدی از آن‌ها دارند، یا انتظار دارند از یک تا پنج بشمارند. اما این توقعات مشکلاتی را باعث می‌شود که همان تعجیل بیش از حد در آموزش پیش‌دبستانی است و به هیچ وجه صحیح نیست. همچنین، اطلاع‌داشتن اولیا از این موضوع که روش آموزش پیش‌دبستانی بیشتر بازی‌محور است و فعالیت‌های آن آزادی‌محورند، ضروری است. بازی در آموزش پیش‌دبستانی نقشی بسیار مهم و کلیدی دارد. این روش بر بازی مبتنی است. کودک در دورهٔ پیش‌دبستان فعالانه در همهٔ فعالیت‌ها شرکت دارد و نباید منفعل باشد. ارزشیابی‌ها در دورهٔ پیش‌دبستانی تکوینی هستند. در اینجا، بین نگرش‌ها و فعالیت‌های والدین در خانه و فعالیت‌ها و روش‌های تدریس معلمان در دورهٔ پیش‌دبستان تضاد وجود دارد. کتاب ویژهٔ والدین می‌تواند تضاد بین نگرش‌های والدین و معلمان پیش‌دبستانی را از بین برد. همچنین، آگاهی اولیا از این موضوع لازم است که آیا آموزش پیش‌دبستانی باید از پیش طراحی شده باشد یا بر فعالیت‌های آزاد خود کودک مبتنی باشد؟ یعنی تا چه حد باید کودک را در کارها محدود کرد یا آزاد گذاشت؟

والدین باید آگاه باشند در تعلیم و تربیت رسمی هیچ کاری بدون برنامه‌ریزی امکان‌پذیر نیست. به‌طور مسلم، آموزش پیش‌دبستانی باید طراحی شده و با برنامه‌ریزی صورت بگیرد

می‌تواند بسیار مفید باشد. صادقی: از آنجا که پیش‌دبستانی نقطهٔ آغاز آموزش و یادگیری است و مهارت‌های پیش‌نیاز در آن شکل می‌گیرد، بسیار مهم است مربیان ما در امور مربوط به نوآموزان توانمند باشند. دوره‌های بازآموزی سه‌ماهه ضرورت دارد.

● وقتی یک بستهٔ تربیت و یادگیری در قالب‌ها و محتواهای مناسب از تنوع، تعدد و گوناگونی برخوردار باشد، شما به‌عنوان مربی تا چه اندازه به خود حق انتخاب می‌دهد تا در هر موقعیتی گزینه‌های مناسب‌تر را در کلاس برای بچه‌ها به کار بگیرید؟

رنجبر: مربیان با به‌کارگیری بسته‌های متعدد، متنوع و گوناگون تربیت و یادگیری می‌توانند راهبردهای متعددی را در محیط آموزشی پیاده کنند و از بسیاری ارجاعات تخصصی غیرضروری جلوگیری کنند و موجب تسهیل روند یاددهی یادگیری شوند.

صادقی: تعدد و گوناگونی بدون هدف و گسسته مربی و نوآموز را دچار سردرگمی خواهد کرد. با توجه به شرایط رشد آن‌ها، قالب‌ها و محتواها باید طراحی شوند.

آقابابایی: تعدد و تنوع برای آموزش بسیار اهمیت دارد و مربی می‌تواند بسته به شرایط کلاس و همچنین ظرفیت پذیرش نوآموزان، انتخاب کند و روش تدریس خود را تغییر دهد.

خرمی: خیلی زیاد.

● وقتی والدین از فعالیت‌های شما در کلاس انتظاراتی دارند که برخی از آن‌ها مطابق اصول و قوانین سازمان تعلیم و تربیت کودک نیست، چگونه به آنان پاسخ می‌دهید؟

آقابابایی: بنده بیشتر اوقات با اولیا جلسات آموزش خانواده دارم و در طول جلسه به‌طور کامل در مورد اهمیت و نحوهٔ آموزش و پرورش در دوران پیش‌دبستانی صحبت می‌کنم. تمامی اصول آموزش به نوآموزان را در ابتدا به اولیا توضیح می‌دهم و اکثر آنان هم می‌پذیرند.

صادقی: وقتی انتظارات اصولی با مطابق شرایط روان‌شناختی نباشد، آن‌ها را توجیه می‌کنم و به آنچه به صلاح نوآموزان نیست عمل نمی‌کنم؛ هر چند خلاف خواستهٔ آن‌ها باشد.

رنجبر: معلم ممکن است چندین بار خود را درگیر وظیفه‌ای بیاید که برای آن تعلیم کافی ندیده است، زیرا برای ایفای وظیفهٔ یک روان‌شناس، یک مددکار اجتماعی یا مشاور راهنما، آمادگی ندارد و تنها می‌تواند در رشد فکری کودک به معنی عام آن تخصص داشته باشد. در عین حال در مسئولیت آموزشی خود وظیفه دارد در شناسایی مشکلات و برخورد با آن‌ها با والدین همکاری کند. گاه گفت‌وگویی دوستانه به صرف چای، یا صحبت در مورد مراجعه به کارگزار مناسب، ضرورت دارد. مربی باید توجه داشته باشد از حدود وظیفهٔ خود تجاوز نکند. در اکثر موارد، بهترین راه آن است که مشکلی را به شخصی با صلاحیت بیشتر محول کند. او باید با مراکز خدماتی کودک و خانواده در منطقهٔ خود آشنا باشد و

و فعالیت‌ها از قبل مشخص شده باشند (زمان، نوع و فرصت‌های یادگیری).

ساختاری بودن پیش‌دبستانی، دلیل بر نداشتن آزادی عمل دانش‌آموز نیست. باید بین ساختار فعالیت‌های آزاد توازن وجود داشته باشد و انعطاف‌پذیری در چارچوب برنامه‌ها باشد، زیرا انعطاف‌پذیری یکی از اصول حاکم بر آموزش پیش‌دبستانی است.

آقابابایی: خب، این کتاب برای آگاهی و همچنین اطلاع بیشتر اولیا از نحوه آموزش نوآموزان در دوران پیش‌دبستانی مفید است.

صادقی: هر قدر بتوانیم میزان آگاهی والدین را با ابزار مناسب بالاتر ببریم، آنان را در پیشبرد اهداف آموزشی همگام خود کرده و در امر تربیتی تسریع صورت داده‌ایم. خرمی: خیلی. وقتی کتاب داشته باشند، اگر سوالی در ذهنشان ایجاد شود، با رجوع به آن، چالش ذهنی‌شان را برطرف می‌کنند و با هدایت مدیر می‌توانند بهتر متوجه قوانین و مطالب بشوند.

● استفاده از لوحه‌ها در کلاس‌های پیش‌دبستانی
چقدر می‌تواند به ارائه و فهم پیام‌ها و محتواهای مدنظر شما به بچه‌ها کمک کند؟

آقابابایی: لوحه‌هایی که در جلسه بودند، خوب‌اند، ولی به نظر بنده باید کمی واضح باشند. چون روی تخته نصب می‌شوند، احتمال این هست که نوآموز نتواند آن را کامل ببیند.

رنجبر: استفاده از لوحه‌ها در آموزش مفاهیم اساسی مؤثر است. مانند تشکیل مفهوم مکان در ذهن نوآموز، برای مثال جهت‌های بالا و پایین؛ نیز مفهوم زمان، دیر، زود، امروز و دیروز؛ لوحه‌های مربوط به شمارش هم کمک می‌کنند نوآموز با مفهوم عددها آشنا شود. در غیر این صورت کودک در درک مفاهیم اساسی دوره ابتدایی مشکل پیدا می‌کند.

خرمی: بسیار زیاد. لوحه تصویری است و نوآموزان هم هنوز سواد خواندن و نوشتن ندارند. پس بهتر با موضوع ارتباط می‌گیرند.

صادقی: از آنجا که پیش‌نیاز خواندن، خواندن تصویری

است و در این سن میزان واژگان نوآموزان باید از لحاظ ادراک کلامی افزایش یابد و همچنین، به‌منظور توجه به جزئیات، لوحه می‌تواند از ابزار مناسب آموزشی باشد.

● مهم‌ترین نکته‌هایی که از نگاه شما در صحبت‌های آقای ناصری خیلی مفید و مؤثر بودند، قابلیت کاربرد و اجرا داشتند و فعالیت مربیان در پیش‌دبستانی را ارتقا می‌بخشیدند کدام‌ها بودند؟ لطفاً به یکی دو مورد اشاره فرمایید.

رنجبر: مهم‌ترین نکته‌ها در این کارگاه عبارت بودند از:

۱. ایجاد فرصت اندیشه‌ورزی و تبادل نظر بین مربیان؛
۲. اهمیت بالابردن مهارت تدریس و روش‌های به‌روز تدریس؛

۳. اهمیت توجه به تفاوت‌های نوآموزان؛

۴. استفاده مربیان از تجربه‌های همکاران خود که عموماً مربیان پیش‌دبستانی بودند.

همچنین، تشکر ویژه از استاد ناصری بزرگوار که برای رسیدن به هدف کارگاه، فرصت کافی را برای بیان اندیشه‌ها و تجربه‌ها و تعامل مربیان فراهم کردند.

آقابابایی: بهترین و مهم‌ترین نکته در صحبت‌های ایشان، که بنده هم در کلاس کاملاً رعایت می‌کنم و هر سال هم انجام می‌دهم و تمامی مربیان هم باید انجام بدهند، ایجاد ارتباط با نوآموزان است. اینکه به نوآموز اطمینان بدهند محیط مدرسه آرام و پر از نشاط است و آموزش با بازی و مشارکت تمامی نوآموزان همراه است.

در آخر، بنده برای هر کاری که از نظر آموزش و تبادل اطلاعات موجب ارتقای سطح نوآموزان عزیز کشورم باشد، در خدمت‌گزاری حاضرم.

صادقی:

- نقش مهم ارتباط مؤثر مربی با نوآموزان؛
- آموزش با بازی؛
- در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی.

خرمی: تمام صحبت‌های آقای ناصری مفید و قابل اجرا بودند، کما اینکه بنده اولین جلسه‌ای بود که در حضور ایشان بودم. ولی خیلی راضی هستم.

● از حضور شما صمیمانه سپاسگزاریم.

